

## انگیزه های آشکار

تغییرات برنامه هفت «به جا» بود یا «به موقع»؟

چاپ شده در : روزنامه شرق

زمان انتشار : مهر ماه ۱۳۹۰

این یادداشت که به عنوان یکی از نوبت های ستون همیشگی ام در واکنش به کاستی های مدیریت فرهنگی کشور با عنوان "میکروسکوپ خصوصی من" چاپ شد، به تغییر مشکوک و جهت داری در برنامه سینمایی "هفت" از شبکه سه تلویزیون می پرداخت که به موجب آن، ناگهان بخشی به برنامه افزوده شد تا سینماگران نزدیک به نگرش رسمی بتوانند از تریبون آن، هر انتقادی را که در قسمت های قبلی برنامه نسبت به فیلم شان مطرح شده، پاسخ بدهند!

\*

\*

بچه که بودم و مثل بسیاری دیگر، «کيهان بچه ها» می خواندم، بعضی از جوک های صفحه طنز معمولاً بی نمک اش به دلایلی غیر از بامزه گی یا بی مزه گی در یادم می ماند و بعضی از این بعضی تا امروز که سی سالی از آن دوره می گذرد، همچنان به خاطرمانده و گاه و بی گاه به یادم و به کارم می آید. برنامه سینمایی «هفت» به دلیل ماهیت و جهت گیری آشنایی که دارد و از این زاویه درست در نقطه مقابل اهداف انتقادی و غیررسمی برنامه ای از این دست – باز و مانند برخی نوشته های پیشین ناگزیرم تکرار کنم برخلاف برنامه فوتبالی «۹۰» – قرار می گیرد، رفته رفته دارد به رکورددار عوامل یادآورنده آن لطیفه ها بدل می شود. خوب به یاد دارم در هفته دوم یا سوم که این برنامه روی آنتن می رفت، چون در هفته قبلی اش بهرام بهرامیان بدون اشاره به نام فیلمی مشخص، گلایه ای از افزایش آن چه علی معلم «کمدی های پیژامه پوشی» می خواند، مطرح کرده بود، در برنامه جدید بخشی به نام «تریبون هفته» گشایش شد که بنا بود به کس یا کسانی فرصت صحبت دهد که پیش تر در غیاب شان در قسمت های قبلی، انتقادی از آنها یا عملکردشان صورت گرفته بود. مسعود ده نمکی حرف بهرامیان را کنایه ای به خود و «اخراجی ها» ایش گرفته بود و آمد که بگوید از سر حیات به اقبال و محبوبیت این فیلم نوع کمدی آن را دم دستی و بی رمق

می خوانند. البته این تریبون در هفته های بعدی و بعدتر بسیار به ندرت و در حد یکی دوبار در اختیار دیگران گذاشته شد و عموماً در بخش های ثابت برنامه خبری از آن نبود. ظاهراً ضرورت اجابت خواسته بفرموده نوبت اول فراتر از آن بود که شأن نزول این بخش بخواد با تداوم و تثبیت اش، مشخص شود و از شبهه به درآید.

در برنامه اخیر «هفت» در جمعه ای که گذشت، ناگهان بخش دیگری از دل برنامه سربرآورد که با پخش مصاحبه های مردمی بسیار ستایش آمیز نسبت به فیلم «ملک سلیمان نبی (ع)» شروع می شد و با تصاویر تیزرواری از فیلم و پرده سینمای نمایش دهنده آن ادامه می یافت. همزمان، صدای رسای گوینده ای با لحنی که به جای اعلام برنامه هفته آینده، بیشتر شبیه گوینده آگهی بود، به بیننده توصیه می کرد که بلند شود و در طول این یک هفته حتماً برود فیلم را در سینماها ببیند تا هفته آینده بتواند به تماشای نقد و بررسی آن بنشیند. فریدون جیرانی هم بعدتر توضیح داد که این «بخش تازه» برنامه به عنوان تغییری در مسیر بهبود کیفیت اطلاع رسانی فیلم های در حال اکران، از این هفته بناست فیلم هفته بعد را معرفی کند تا بینندگان برنامه آن را در این فاصله ببینند. اما چه جالب است که این تغییر بار دیگر «اتفاقاً» همزمان شده با اکران عمومی یک فیلم صد در صد محبوب نگرش رسمی. بدیهی است که این ضرب و ریتیم، این تکرار چندباره، این توضیح شفاهی بخش تازه توسط جیرانی و این نوع انتخاب حرف های تحسین آمیز هرگز درباره فیلم های هفته های بعدی اتفاق نخواهد افتاد؛ مگر آن که از همین خاستگاه باشند. و این مرا یاد یکی از همان لطیفه های کیهان بچه هایی می اندازد که می گفت بچه ای خیلی دیر به هم بازیان فوتبالی اش در محله پیوست. پرسیدند چرا این همه دیر آمدی؟ گفت آخر فردا معلم مان درس می پرسد. شیر یا خط می کردم که بنشینم و بخوانم یا بیایم فوتبال. آن قدر شیر یا خط کردم و کردم تا بالاخره تصادفاً شیر

بباید و بیایم فوتبال! به راستی که «هفت» نیز به همین سیاق، مفهوم اتفاقات تصادفی و غیرتعمدی و برنامه ریزی نشده را یادمان می دهد.